فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوق قضایی
شماره ۶۶، تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۷۵ تا ۹۸

نقش افکار عمومی در اعمال قواعد موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی

عبدالحسین شیروی[۱]
اعظم انصاری[۲]

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۶/۱۸)

چکیده

نظام تجارت آزاد به دنبال کاهش تعرفه‌ها و رفع موانع غیرتعرفه‌ای است که سازمان تجارت جهانی متکفل آن است. کشورهای واردکننده نگران هستند که ورود برخی کالاها به سرزمین آن ها سلامت و بهداشت عمومی را به خطر اندازد. گاهی نگرانی از سلامتی و ایمنی کالاهای وارداتی ناشی از افکار عمومی و نگرانی‌های جمعی می‌باشد که ممکن است پایه و اساس علمی داشته یا نداشته باشد. «موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی» به کشورهای عضو این امکان را می‌دهد که تحت شرایطی از ورود کالاهایی که برای سلامتی، ایمنی و بهداشت عمومی مخاطره آمیز هستند جلوگیری کنند. این مقاله درصدد بررسی این است که تا چه اندازه نگرانی افکار عمومی یک کشور نسبت به سلامتی و ایمنی محصولات وارداتی می‌تواند محملی برای اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهیِ محدودکننده‌ی تجارت آزاد باشد؟ بررسی دقیق مقررات موافقت‌نامه‌ی مزبور نشان می‌دهد که فضای قابل ملاحظه‌ای برای کشورهای عضو وجود دارد تا به دلایل غیرعلمی همچون افکار عمومی استناد کرده و اقداماتی را به منظور حفاظت از حیات و سلامتی انسان ها و محیط زیست اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: افکار عمومی، توجیه علمی، تجارت آزاد، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی.

---

۱. نویسنده‌ی مسئول- استاد حقوق تجارت بین الملل، پردیس فارابی، دانشگاه تهران. Email: ashiravi@ut.ac.ir
۲. استادیار حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی، مشهد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

مقدمه

نظام تجارت آزاد جهانی به دنبال آزادسازی تجاری به معنای برداشتن موانع اعم از تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر سر راه تجارت کالا و خدمات می‌باشد (شیروی، ۱۳۷۹، ص۱۴). با این حال برخی از کالاهای وارداتی از جهت ایمنی و سلامت مشکل دارند و کشورهای واردکننده نگران هستند که ورود این نوع کالاها به سرزمین آن ها سلامت و بهداشت عمومی آن ها را به خطر اندازد و از این رو کشورها در پاره‌ای موارد محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی را در مسیر واردات برخی کالاها ایجاد می‌نمایند. با این حال اتخاذ این محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌ها نباید مستمسکی باشد که کشورها بدون دلایل موجه، ورود و خروج کالاها را محدود نمایند. بدین جهت در پایان مذاکرات دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴م. و در راستای تلاش برای حذف موانع غیرتعرفه‌ای(Non-Tariff Barriers) در مسیر تجارت آزاد، اعضای سازمان تجارت جهانی اقدام به تنظیم موافقت‌نامه‌ای با عنوان «موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی»[1] نمودند که از این به بعد در این مقاله به آن «موافقت‌نامه» اطلاق می‌شود.

این موافقت‌نامه که در راستای بسط و گسترش مقررات بند «ب» ماده‌ی (۲۰) موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت (گات)[2] تنظیم گردیده (Gruszczynski, 2010, p.68)، ضمن این که حق اعضای سازمان تجارت جهانی را در اتخاذ یا اعمال اقدامات[3] ضروری برای حفاظت از حیات و سلامت انسان، حیوان و گیاه به رسمیت می‌شناسد؛ تعهدات و ضوابطی را بر آن ها تحمیل می‌نماید تا اعمال این‌گونه اقدامات حتی‌الامکان روند تجارت آزاد کالا در دنیا را دشوار یا محدود ننماید. برای رسیدن به این هدف، مقررات این موافقت‌نامه تعهدات مهمی را

1. The Agreement on Sanitary and Phytosanitary Measures (SPS Agreement).

2. The General Agreement on Tariffs and Trade (GATT); Article XX: "Subject to the requirement that such measures are not applied in a manner which would constitute a means of arbitrary or unjustifiable discrimination between countries where the same conditions prevail, or a disguised restriction on international trade, nothing in this Agreement shall be construed to prevent the adoption or enforcement by any contracting party of measures: … (b) necessary to protect human, animal or plant life or health…".

۳. منظور از اقدامات در این مقاله، کلیه ضوابط، مقررات، شرایط و سیاست‌های اتخاذ شده توسط اعضای سازمان تجارت جهانی می‌باشد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

بر اعضای سازمان تجارت جهانی در وضع ضوابط و مقررات بهداشتی و بهداشت گیاهی تحمیل نموده است. اعمال اصل احتیاطی (Precautionary Principle)، هماهنگ‌سازی (Harmonization) و توجیه علمی (Scientific Justification) در اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی از مهم‌ترین تعهدات موافقت‌نامه مزبور بوده که اعضای سازمان ملزم به رعایت آن ها می‌باشند. با این توضیح که به عنوان یک اصل کلی، در مواردی که دلیل علمی کافی برای اثبات سلامت و ایمنی برخی محصولات وجود ندارد کشورها می‌توانند برای پیشگیری از آثار نامطلوب این کالاها بر مبنای وظیفه خود برای حفظ سلامت جامعه با توسل به اصل احتیاطی، ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌هایی برای ورود این نوع کالاها به بازارهای داخلی خود وضع نمایند. تعهد مهم دیگر در این موافقت‌نامه هماهنگ‌سازی می‌باشد. هماهنگ‌سازی به معنای توافق کشورها بر تبعیت از مقررات مشابه در موضوعات خاص بوده و در جهت کاهش اختلافات پیرامون مقررات و سیاست‌گذاری‌های کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد (شیروی و انصاری، ۱۳۹۱، ص۸۶). موافقت‌نامه، هماهنگ‌سازی را به عنوان ابزاری برای رفع موانع تجاری و هموار نمودن مسیر تجارت بین‌المللی می‌بیند و تلاش می‌کند تا با ارائه برخی مشوق‌ها اعضا را به استفاده از استانداردهای بین‌المللی در وضع اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی‌شان ترغیب نماید تا ضوابط بهداشتی و بهداشت گیاهی کشورهای عضو هماهنگ و یکسان گردد. همچنین موافقت‌نامه اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی را در صورتی مجاز می‌شمارد که این امر توجیه علمی داشته یا به عبارت ساده‌تر بر اسناد و دلایل علمی استوار باشد. به عبارت دیگر چنانچه دلایلی علمی دال بر عدم سلامت و ایمنی برخی کالاها وجود دارد موافقت‌نامه به اعضا اجازه می‌دهد تا با وضع اقداماتی از ورود این نوع کالاها به کشورشان جلوگیری نمایند.

اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی‌ای که کشورها وضع می‌نمایند شامل ممنوعیت‌ها و یا محدودیت‌هایی است که در قالب مقررات و ضوابط قانونی جهت مبارزه با آفت‌ها، بیماری‌ها، آلاینده‌ها و امثال آن به منظور حفظ سلامت و ایمنی انسآن ها، حیوانات و گیاهان در جریان تجارت آزاد کالاها وضع می‌گردند. ضوابطی که به تفصیل در این موافقت‌نامه بیان گردیده‌اند

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

درصدد هستند تا این اطمینان را به وجود آورند که اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی برای ایجاد ممنوعیت یا محدودیت در روند آزاد تجارت و حمایت از صنایع داخلی یک کشور مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد. در واقع موافقت‌نامه با ارائه‌ی این تعهدات و به ویژه تعهد توجه به «توجیه علمی» مانع مستحکمی را در برابر سیاست های حمایتگرایانه (protectionism)[1] برخی اعضای سازمان تجارت جهانی ایجاد نموده است.

از زمان لازم الاجرا شدن این موافقت‌نامه، هیأت‌های حل و فصل اختلاف و هیأت استینافی سازمان تجارت جهانی دعاوی مهمی را در خصوص تخلفات کشورهای عضو از مقررات این موافقت‌نامه بررسی نموده‌اند. مهمترین این دعاوی، قضیه‌ی (هورمون‌ها-جامعه اروپا) (EC- Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones), 1996)، (ماهی آزاد-استرالیا)[2]، (محصولات کشاورزی- ژاپن)[3]، (سیب‌ها-ژاپن)[4] و (اجازه و بازاریابی

---

۱. سیاست‌های حمایتگرایانه به سیاست‌های اقتصادی و تجاری اطلاق می‌شود که به موجب آن از طریق اعمال تعرفه، برقراری عوارض گمرکی، سیستم سهمیه‌بندی واردات به منظور کنترل واردات کالا و امثال آن از صنایع داخلی در مقابل محصولات وارداتی حمایت می‌شود(Sareen, 2001, p.559).

2. Australia- Measures Affecting Importation of Salmon, 1995.
این اختلاف در رابطه با مقررات استرالیا در خصوص ممنوعیت واردات ماهی آزاد از کانادا بوده که کانادا با این ادعا که مقررات مزبور مغایر با مقررات موافقت‌نامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌باشد شکایت خود را نسبت به اقدام استرالیا در رکن قضایی سازمان مطرح نمود. در این اختلاف طرفین موضوع افکار عمومی را در ادعاها یا دفاعیات خود مطرح ننمودند.

3. Japan- Measures Affecting Agricultural Products, 1997.
این اختلاف با شکایت ایالات متحده آمریکا علیه ژاپن در رکن قضایی سازمان مطرح گردید. ایالات متحده ادعا نمود که اقدامات قرنطینه‌ای که ژاپن برای وادات برخی محصولات خاص کشاورزی اعمال می‌نماید مغایر با برخی مقررات موافقت‌نامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌باشد. در این اختلاف طرفین موضوع افکار عمومی را در ادعاها یا دفاعیات خود مطرح ننمودند.

4. Japan- Measures Affecting the Importation of Apples, 2002 .
این اختلاف با شکایت ایالات متحده آمریکا علیه ژاپن پیرامون محدودیت های قرنطینه‌ای ژاپن در مورد واردات سیب از آمریکا به ژاپن در رکن قضایی سازمان مطرح گردید. ایالات متحده ادعا نمود که ژاپن با این ادعا که سیب‌های وارداتی از آمریکا احتمال آلودگی به یک بیماری باکتریایی را دارند اقدامات قرنطینه‌ای را وضع نموده در حالی که برخی از این سیب‌ها از مناطقی بوده که احتمال چنین امری در مورد آن ها وجود ندارد و لذا اقدامات ژاپن در برابر واردات سیب از ایالات متحده مغایر با مقررات موافقت‌نامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌باشد. در این اختلاف طرفین موضوع افکار عمومی را در ادعاها یا دفاعیات خود مطرح ننمودند.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

(فروش) محصولات زیست‌فناوری-جامعه اروپا)[1] می‌باشد. در تمامی این پرونده‌ها، کشورهای واردکننده به دلیل عدم رعایت برخی مقررات موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی محکوم گردیده‌اند؛ در این بین در دو قضیه هورمون‌ها و اجازه و بازاریابی (فروش) محصولات زیست‌فناوری توجه به افکار عمومی در اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی مطرح گردیده است. اختلاف مربوط به محصولات زیست‌فناوری با شکایت ایالات متحده آمریکا در خصوص مقررات اتحادیه اروپا پیرامون محصولات زیست‌فناوری مطرح گردید. ایالات متحده ادعا نمود که مقررات اتحادیه اروپا و اعضای آن که واردات مواد غذایی و محصولات کشاورزی تهیه شده با روش‌های زیست‌فناوری از ایالات متحده آمریکا را محدود می‌ساخت مغایر با برخی مقررات موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌باشد. با این حال در این اختلاف مطرح گردید که در خصوص محصولات پرورش یافته با روش‌های زیست‌فناوری علاوه بر اینکه نگرانی‌هایی میان مردم در خصوص به خطر افتادن سلامت انسآن ها بر اثر مصرف این نوع محصولات وجود دارد؛ نگرانی‌هایی در میان مردمان جوامع مختلف پیرامون به خطر افتادن تنوع زیستی بر اثر ارگانیسم‌های اصلاح شده ژنتیکی نیز وجود دارد که باید به آن توجه نمود (Foster, 2008, p.429).

مشهورترین دعوای مرتبط با این موضوع، قضیه‌ی (هورمون‌ها-جامعه اروپا) می‌باشد. این پرونده مرتبط با نگرانی‌های اروپایی‌ها در خصوص ایمنی و سلامت کالاهای وارداتی به اتحادیه‌ی اروپا است. دعوی هورمون‌ها به دنبال تدوین سه دستور العمل اتحادیه‌ی اروپا در دهه‌ی ۱۹۸۰م. بروز نمود (Council Directive 81/602/EEC of 31 July 1981; Council Directive 88/146/EEC of 7 March 1998 and Council Directive 88/299/EEC of 17 May 1988; available at: http://eur-lex.europa.eu, last visited in 01/05/2013). در این دستورالعمل‌ها، واردات گوشت گاوی که برای رشد آن از برخی هورمون‌ها استفاده گردیده به بازارهای اروپایی ممنوع گردید. البته دلیل وضع این ممنوعیت هورمونی به دهه ۱۹۷۰م باز می‌گردد؛ زمانی که نگرانی‌هایی در میان مصرف‌کنندگان ایتالیایی در خصوص

1. European Communities- Measures Affecting the approval and marketing of Biotech Products, 2003.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

سلامتی و ایمنی غذاهای تهیه شده از گوشت گوساله برای نوزادان پدید آمد. برخی از آن ها ادعا می‌نمودند که گوشت گوساله شامل باقی‌مانده‌هایی از هورمون دی‌اتیل‌استیل‌بسترول (Dethylstilboestrol)[1] می‌باشد که عوارض متنوعی از قبیل بی‌نظمی‌های هورمونی در نوزادان را در پی دارد. به دنبال این نگرانی‌ها، جامعه‌ی اروپایی رهنمودهای مذکور را صادر نمود (Epps, 2008, International Trade and Health Protection. A Critical Assessment of the WTO's SPS Agreement, p.208).

یکی از مباحث مهم در بررسی پرونده‌ی مزبور این بود که اروپایی‌ها در مورد گوشتی که آثاری از هورمون‌های رشد در آن ها موجود است چگونه می‌اندیشند و چه احساسی دارند و آیا با وجود ضابطه‌ی «توجیه علمی» برای اتخاذ محدودیت‌های وارداتی، این گونه افکار و احساسات عمومی هم می‌توانند نقشی را در وضع اینگونه محدودیت‌ها داشته باشد یا خیر.

مقاله‌ی حاضر با تکیه بر تجزیه و تحلیل مفهومی و تحت‌اللفظیِ عبارات موافقت‌نامه و همچنین رویه‌ی قضایی موجود در این زمینه که از عبارات و اظهارنظرهای هیأت‌های حل و فصل اختلاف و هیأت استینافی سازمان تجارت جهانی در دعاوی مرتبط استنباط می‌شود درصدد پاسخگویی به این سؤال مهم و چالش برانگیز می‌باشد.

بدین منظور در این مقاله مهمترین ضوابط ماهوی موافقت‌نامه یعنی لزوم توجیه علمی و ارزیابی خطر برای اعمال محدودیت‌های بهداشتی، جواز اعمال اصل احتیاطی در شرایط عدم کفایت دلیل علمی، احترام به سطح حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهیِ اعضا و استفاده از کارشناسان در حل و فصل دعاوی به طور جداگانه مطرح گردیده و امکان یا عدم امکان توجه به افکار عمومی هم زمان با رعایت این ضوابط مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان نیز نتیجه‌گیری از کلیه‌ی مطالب ارائه شده در مقاله صورت می‌گیرد.

۱. نوعی استروژن است که بین سال های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۱م. در ایالات متحده آمریکا برای برخی زنان باردار تجویز می‌گردید. تحقیقات نشان داد که مادرانی که در دوران حاملگی این ماده را مصرف می‌نمایند خودشان و نوزادان دخترشان بیش از سایرین در معرض نوعی سرطان قرار می‌گیرند (موسوی و اخوان، ۱۳۸۹، ص۱۳۷).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

۱- لزوم توجیه علمی و ارزیابی خطر برای اعمال محدودیت‌های بهداشتی

موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی در تلاش برای احترام به حق کشورها در وضع مقررات و ضوابط بهداشتی و بهداشت گیاهی برای حفاظت از سلامت و ایمنی جامعه خود از یک سو و رفع موانع موجود در مسیر تجارت آزاد (از جمله اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی محدودکننده‌ی تجارت) از سوی دیگر، علم و توجه به دلایل علمی را برای اتخاذ هر نوع اقدام بهداشتی و بهداشت گیاهیِ محدودکننده تجارت مورد توجه قرار می‌دهد. در همین راستا بند ۲ ماده‌ی (۲)[1] این موافقت نامه از اعضای سازمان تجارت جهانی می‌خواهد تا اقدامات بهداشتی خود را بر اصول علمی بنا نهاده و آن ها را بدون دلیل علمی کافی نگهداری ننمایند.

هدف این نوشتار بررسی تمام ابعاد حقوقی این تعهد نیست، بلکه موضوع بحث ما این است که چگونه می‌توان همزمان با اعمال مقررات بند ۲ ماده‌ی (۲) در اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، به موضوع افکار عمومی درباره‌ی ایمنی و سلامت کالاهای وارداتی نیز توجه نمود.

برای پاسخ به این سؤال کلی می‌بایست به این پرسش پاسخ داد که آیا افکار عمومی می‌تواند در تعیین «کفایت» یک دلیل علمی که بر اساس بند ۲ ماده‌ی (۲) پشتوانه‌ی یک اقدام بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌باشد مدنظر قرار گیرد یا خیر (Foster, op.cit, p.433). برای مثال چنانچه در خصوص خطرات احتمالی یک محصول وارداتی تنها یک دلیل علمی از سوی عده‌ی معدودی از دانشمندان ارائه گردد و البته افکار عمومی هم نظر مساعدی نسبت به این محصول نداشته باشد، آیا وجود این‌گونه نگرانی‌ها در میان عموم می‌تواند پشتوانه این دلیل علمی محسوب گشته و این دلیل را به عنوان یک دلیل علمی کافی معرفی نماید؟ گرچه رویه‌ی قضایی تاکنون پاسخ روشنی به این پرسش نداده است؛ اما از نظرات هیأت استینافی در دعوی هورمون‌ها- جامعه اروپا می‌توان استنباط نمود که کفایت دلیل علمی‌ای که پشتوانه‌ی

1. Article 2(2):"Members shall ensure that any sanitary or phytosanitary measure is applied only to the extent necessary to protect human, animal or plant life or health, is based on scientific principles and is not maintained without scifficient scientific evidence, except as provided for in paragraph 7 of Article 5.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

یک اقدام بهداشتی یا بهداشت گیاهی می‌باشد با توجه به «جدیت» خطر مورد بحث، ارزیابی خواهد شد. هیأت استینافی در این پرونده بیان داشت که در خصوص اظهارنظر در این مورد که آیا دلیل علمی کافی وجود دارد تا اتخاذ یک اقدام بهداشتی و بهداشت گیاهی توسط یک کشور عضو را توجیه نماید هیأت‌های حل و فصل اختلاف باید این موضوع را مدنظر داشته باشند که دولت‌ها در موردی که موضوع، مرتبط با خطر جبران ناپذیر مثل خطر مرگ یا خطرات مربوط به سلامت انسانی باشد با حزم و احتیاط عمل می‌نمایند.

(Appellate Body Report, European Communities-Measures Concerning Meat and Meat Products, para.124.)

علاوه بر این باید دانست که دیدگاه‌های نوین در علوم اجتماعی در تعیین مفاهیمی مانند کفایت، جدیت و اهمیت خطر علاوه بر اندازه‌گیری‌های عینی، جنبه‌های ذهنی اشخاصِ در معرض خطر را هم مدنظر قرار می‌دهند. امروزه برخی صاحبنظران معتقدند که هیچ تعریف علمی‌ای از واژه‌هایی همچون واژه «کافی» وجود ندارد.

(Crawford-Brown, Pauwelyn and Smith, 2004, p.467).

با این توضیح که مجموعه‌ای از اطلاعات که می‌تواند برای یک دانشمند کافی باشد تا بتواند یک خطر را جدی و مهم تلقی نماید ممکن است برای دانشمند دیگری ناکافی به نظر برسد. تعیین کفایت یک دلیل علمی تنها مرتبط با مجموعه‌ای از اطلاعات علمی نمی‌باشد؛ بلکه به عوامل دیگری از قبیل قضاوت‌های ذهنی کارشناسان در خصوص یک موضوع و ارزش‌های جامعه‌ای که کارشناس در آن فعالیت می‌کند هم ارتباط دارد(Cranor, 1993, p.119). بنابراین در خصوص اینکه آیا یک دلیل علمی، کافی می باشد یا خیر با توجه به نظر هیأت استینافی می‌بایست جدیت یک خطر مورد ارزیابی قرار گیرد که در ارزیابی این جدیت، افکار عمومی هم نقش مؤثری را ایفا خواهد نمود.

موضوع دیگری که در این بحث می‌بایست مورد توجه قرار گیرد دیدگاه رکن قضایی سازمان تجارت جهانی در خصوص درجه‌ی اعتبار عقاید علمی نه چندان مشهور و غیررایج می‌باشد. با این توضیح که در اغلب موارد نگرانی‌ها و باورهای عمومی درخصوص یک کالای وارداتی تحت تأثیر نظرات غیر مشهور و غیر رایج برخی دانشمندان حوزه‌ی سلامت و بهداشت می‌باشد. حال سؤال این است که چنانچه افکار عمومی هم سو با این گونه نظرات و

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

دلایل علمی باشد آیا می‌توان گفت شرط «دلیل علمی کافی» مندرج در بند ۲ ماده ۲ موافقت‌نامه محقق گردیده است؟ هیأت استینافی در پرونده‌ی هورمون‌ها به طور ضمنی بیان داشت که اعضا می‌توانند مقررات و ضوابط بهداشتی و بهداشت گیاهی را با تکیه بر عقاید علمی شایع و غالب و همچنین عقاید علمی با درجه شیوع و مقبولیت کمتر بنا نهند. هیأت استینافی در این پرونده اعلام نمود: «در اغلب موارد، دولت‌ها تمایل دارند تا ضوابط قانونی و اداری‌شان را بر دلایل علمی اکثریت بنا نهند. در موارد دیگری، دولت‌ها ممکن است با حسن نیت بر اساس آنچه که یک عقیده متفاوتِ نشأت گرفته از منابع صلاحیتدار و قابل احترام می‌باشد عمل نمایند» (Appellate Body Report, European Communities-Measures Concerning Meat and Meat Products, para.194.)

البته در خصوص مفهوم عبارت «منابع صلاحیت دار و قابل احترام» اختلاف نظر وجود دارد (McNiel, 1998, p.119; Charnovitz, 2000, p.279)؛ اما آنچه که مورد اتفاق می‌باشد این است که گرچه صحت عقاید علمی حداقل نمی‌بایست توسط کل جامعه‌ی علمی مورد تأیید قرار گیرد؛ اما این گونه عقاید می‌بایست به عنوان ادعای علمی قابل دفاع شناخته شوند و دارای نوعی منطق و عقلانیت علمی باشند (Gruszczynski, op.cit, p.136). بنابراین در مواردی که کشور واردکننده‌ای بر پایه‌ی برخی عقاید علمی غیررایج، اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی‌ای را اتخاذ نموده که ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی را در جریان واردات کالا ایجاد می‌نماید و سایر اعضای سازمان با اتکا به دلایل علمی شایع، درصدد مخالفت با این اقدامات برآمده‌اند هیأت‌های حل و فصل اختلاف و هیأت استینافی سازمان نمی‌بایست در این حوزه وارد گردند که کدام یک از این دسته عقاید علمیِ معارض بر دیگری مرجح است؛ بلکه وظیفه آن ها این است که اطمینان حاصل نمایند که دلیل علمی‌ای که کشور واردکننده به آن استناد نموده پشتوانه عقلانی و منطقی دارد. در این صورت اقدامات بهداشتی کشور واردکننده که متکی بر این دلایل علمی اقلیت و پشتوانه‌ی افکار عمومی باشد مشروعیت خواهد داشت. این موضوع برای کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت فراوان است. چنانچه در آینده ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید یکی از چالش‌های ایران با مقررات سازمان مزبور در زمینه واردات کالاهایی خواهد بود که براساس ضوابط شرع مقدس

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

اسلام حرام و مصرف آن ها ممنوع است. براساس ماده ۲ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲ برخی کالاها از لحاظ صادرات و واردات به عنوان «کالای ممنوع» شناخته می‌شوند. کالاهای ممنوع کالاهایی هستند که خرید و فروش و یا مصرف آن ها به موجب شرع اسلام و یا قانون ممنوع بوده و صادرات و واردات آن ها نیز ممنوع است. همچنین امکان واردات و صادرات آن ها به صورت موردی و حتی با مجوز مقامات مربوط نیز امکان‌پذیر نمی‌باشد. کالاهایی از قبیل گوشت خوک و یا مشروبات الکلی در این زمره‌اند. نکته قابل توجه در خصوص این نوع کالاها این است که برخی مطالعات علمی نیز نشان می‌دهند که کالاهای مزبور برای سلامت انسان مضر بوده و منشأ برخی بیماری‌ها و آسیب‌های جسمی و روحی می‌باشند (قوسیان مقدم و ملکی، ۱۳۸۹، صص۱۱۳-۱۱۰).

در جوامع اسلامی نظیر ایران بسیاری از مردم علاوه بر این که از مصرف این نوع کالاها به دلیل حرمت شرعی اجتناب می‌نمایند با توجه به نتایج برخی مطالعات، مصرف این نوع کالاها را برای جسم و جان انسان مضر می‌دانند (فرج زاده و همکاران، ۱۳۹۲، صص۲۳-۲۲). همین امر می‌تواند راه‌حلی برای رفع چالش‌های کشورهای اسلامی در ممنوعیت ورود این نوع کالاها به کشورهایشان باشد. با این توضیح که با استناد به برخی مطالعات علمی و نگرانی مردم در خصوص مصرف این نوع کالاها و با استفاده از مفهوم کفایت دلیل علمی به راحتی می‌توان از ورود این نوع کالاها به کشور جلوگیری نمود.

علاوه بر بند ۲ ماده‌ی ۲ موافقت‌نامه که شرح آن گذشت بند ۱ ماده‌ی ۵ موافقت‌نامه نیز با تأکید بر نقش محوری علم در اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، به لزوم ارزیابی خطر برای توجیه اقدامات بهداشتی محدودکننده تجارت می‌پردازد. یکی از مهمترین ضوابط موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی در بند ۱ ماده‌ی (۵) بیان گردیده که مقرر می‌دارد: «اعضا تضمین خواهند کرد با در نظر گرفتن روش‌های ارزیابی خطری که توسط سازمآن های بین‌المللی مربوط ارائه گردیده اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی خود را بر ارزیابیِ متناسب با اوضاع و احوال از خطرات تهدیدکننده‌ی حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

گیاه مبتنی سازند».[1] در واقع بند ۱ ماده‌ی (۵) هم سو با مقررات بند ۲ ماده‌ی (۲) موافقت‌نامه و در جهت تشریح ضابطه‌ی توجیه علمی می‌باشد.

نظر به اهمیت مقررات بند ۱ ماده‌ی (۵)، سؤالات پیچیده و فراوانی هم در مورد نحوه‌ی اعمال مقررات این بند مطرح گردیده است. یکی از این سؤالات که محور مباحث این بخش از مقاله می‌باشد در رابطه با نقش افکار عمومی در تعیین متابعت یا عدم متابعت یک کشور از مقررات بند ۱ ماده‌ی (۵) می‌باشد. به عبارت دیگر سؤال این است که چنانچه در قضیه‌ای که نوعی عدم قطعیت علمی در آن مشاهده می‌شود، بر اساس افکار و احساسات عمومی، اقداماتی حفاظتی اتخاذ گردد باز هم می‌توان ادعا نمود که چنین اقداماتی بر پایه‌ی یک ارزیابی خطر و مطابق با بند ۱ ماده‌ی (۵) اتخاذ گردیده است؟

برای پاسخ به این سؤال در ابتدا می بایست به بررسی مفهوم خطر پرداخت. گر چه دیدگاههای مختلفی در این خصوص وجود دارد اما یک بررسی اجمالی نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های جزئی در مفهوم خطر در علوم مختلف، یک شاخص کلی در این زمینه وجود دارد: «... وجود یک خطر، مشتمل بر احتمال وقوع یک حادثه بد و نامطلوب و اهمیت نتایج آن حادثه می‌باشد»(Rayner & Cantor, 1998, pp.90-91).

بنابراین خطر دارای دو عنصر می باشد: احتمال(Likelihood) و اهمیت(Magnitude). احتمال یک خطر تعیین امکان بروز یک خطر خاص با تکیه بر مطالعات علمی و در قالب اعداد و ارقام می‌باشد اما اهمیت یک خطر به نوبه‌ی خود دارای دو جنبه است: «جنبه عینی تصمیم‌گیری در خصوص اهمیت یک خطر» (The objective aspect of magnitude of a risk) و «جنبه ذهنی تصمیم‌گیری در خصوص اهمیت یک خطر» (The subjective aspect of magnitude of a risk).

جنبه‌ی عینی اهمیت یک خطر بررسی میزان خسارات حاصل از بروز خطر بوده که با اعداد و ارقام بیان می‌گردد اما جنبه‌ی ذهنی تصمیم‌گیری در خصوص اهمیت یک خطر، متضمن

1. Article 5 (1): "Members shall ensure that their sanitary or phytosanitary measures are based on an assessment, as appropriate to the circumstances, of the risks to human, animal or plant life or health, taking into account risk assessment techniques developed by the relevant international organizations".

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

نوعی قضاوت پیرامون ارزش‌ها (Value Judgment) بوده که چنین قضاوتی در خصوص اهمیت نتایج و آثاری که یک خطر به دنبال خواهد داشت و توسط اشخاصی که در معرض چنین خطری قرار دارند انجام می‌پذیرد (Foster, op.cit, p.439). برای مثال، اهمیت ذهنی خطر تهدیدکننده‌ی سلامت روانی انسان که ممکن است به علت استفاده از برخی محصولات وارداتی بوجود آید وابسته به قضاوت‌های اشخاص در این خصوص است که سلامت روانی چه میزان اهمیت دارد؟ و یا این که بروز برخی اختلالات روانی در نتیجه استفاده از کالاهای وارداتی چقدر با اهمیت است؟

فرایند ارزیابی خطر ترکیبی از این اَبعاد عینی و ذهنی در خصوص اهمیت یک خطر است. این جنبه از ارزیابی خطر در دیدگاه کمیسیون حقوق بین‌الملل(LLC)[1] درباره خطر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. این کمیسیون در تشریح نقشی که ارزش‌ها و قضاوت‌های اجتماعی در ارزیابی اهمیت یک خطر ایفا می‌نمایند بیان می‌دارد:

«در حالی که واژه «مهم» بوسیله ملاک و معیار عینی و مبتنی بر واقعیات تعیین می‌گردد؛ اما این مفهوم همچنین شامل یک تصمیم‌گیری ارزشی می‌باشد که به شرایط یک قضیه خاص و مقطع زمانی‌ای که در آن چنین تصمیمی اتخاذ می‌گردد هم ارتباط دارد...». (Report of the International Law Commission on the Work of its Fifty-third session, Supplement No.10; available at: http:// untreaty.un.org/ ilc/ texts/ instruments/english/commentaries/9_7_2001.pdf, last visited in 10/04/2011)

به طور کلی مباحث اهمیت خطر -خواه از لحاظ عینی و یا از لحاظ ذهنی- در رویه‌ی قضایی موافقت‌نامه مورد توجه قرار نگرفته است؛ با این حال کمیته‌ی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی سازمان تجارت جهانی بر این باور است که خطر در زمینه‌ی موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، به احتمال بروز یک حادثه نامطلوب و اهمیت نتایج آن حادثه بر حیات و سلامت انسان، حیوان یا گیاه اشاره دارد (Guidelines to Further the Practical Implementation of article 5.5 G/SPS/15 18 July 2000 paras A4 and B2.; Available at: http:// www. wto. org/ english/ tratop_e/sps_e/decisions06_e.htm, last visited in 10/04/2011).

۱. این کمیسیون در نوامبر ۱۹۴۹م. توسط مجمع عمومی ملل متحد تأسیس شد. هدف این کمیسیون، توسعه و تدوین حقوق بین-الملل بوده و تاکنون بسیاری از معاهدات بین‌المللی به همت این کمیسیون طراحی و تدوین گشته است.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

نکته دیگر در خصوص این بند، توجه به عبارت «متناسب با اوضاع و احوال» می‌باشد چرا که موافقت‌نامه اعضا را ملزم به وضع اقدام بهداشتی و بهداشت گیاهیِ مبتنی بر ارزیابی خطر و متناسب با اوضاع و احوال می‌سازد. برخی از اندیشمندان درج قید «متناسب با اوضاع و احوال» را زمینه‌ی مناسبی برای توجه به افکار عمومی در ارزیابی خطر می‌دانند.
(Epps, 2008, Reconciling public opinion and WTO rules under the SPS Agreement, p.385).

به عبارت دیگر در شرایطی که افکار عمومی نگرانی‌هایی را در خصوص کالاهای وارداتی خاصی دارند این امر می‌بایست در فرایند ارزیابی خطر مورد توجه قرار گیرد و بر نتایج حاصل از ارزیابی خطر تأثیر بگذارد. این امر در بررسی برخی پرونده‌ها مورد توجه قرار گرفته است. (Panel Report, European Communities-Measures Concerning Meat and Meat Products, para.7.3044)

بنابراین علی‌رغم مخالفت برخی اندیشمندان در خصوص تأثیر افکار عمومی در ارزیابی خطر (Maruyama, 1998, p.673) با در نظر گرفتن مباحث مربوط به مفهوم خطر-که سابقاً مطرح گردید- و با پذیرش این موضوع که هم احتمال و هم اهمیت خطر به طور موازی عناصر اصلی یک ارزیابی خطر را تشکیل می‌دهند، می‌توان بیان داشت که ارزیابی خطر هرگز عاری از تأثیر ارزش‌های جامعه و قضاوت‌های اجتماعی نمی‌باشد. بر اساس چنین دیدگاهی، تعدادی از پژوهش‌گران برجسته که در نهادهای معتبر بین‌المللی فعالیت داشتند در یک اعلام نظر به هیأت حل و فصل اختلاف سازمان، مفهوم ارزیابی خطرِ رایج در زمینه‌ی حقوق تجارت بین‌الملل را مورد انتقاد قرار دادند. دلیل اصلی این گونه انتقادات، ارزیابی‌هایی صرفاً عینی و مبتنی بر علوم طبیعی و بدون توجه به ارزش‌های انسان ها در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل بوده که مغایر با جدیدترین یافته‌ها در خصوص مفهوم خطر و مقررات خطر هم در علوم پایه و هم در علوم اجتماعی می‌باشد (Foster, 2005, p.433-460). این بی‌توجهی منجر به ارزیابی‌های نامناسبی گردیده و در نتیجه مشروعیت موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی را مورد تردید قرار می‌دهد.

تأثیر ارزیابی ذهنی اهمیت خطر حتی در آرای رکن قضایی سازمان نیز مشاهده می‌گردد. با این توضیح که اعضای هیأت‌های حل و فصل اختلاف به نحو غیرقابل اجتنابی فی‌نفسه یک

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

دیدگاه ذهنی در مورد اهمیت خطر مورد بحث دارند و ارزیابی آن ها از جنبه‌های حقوقی دعوا به‌طور ضمنی تحت تأثیر دیدگاه آن ها از اهمیت خطر قرار می‌گیرد. این مسأله در پرونده‌ی جواز و بازاریابی (فروش) محصولات زیست‌فناوری- جامعه اروپا به وضوح مشاهده گردید. در این پرونده نظرات مکتوب کارشناسان مستقلی که هیأت حل و فصل اختلاف با آن‌ها مشورت نموده بود، حاوی مطالبی در خصوص وجود برخی نگرانی‌ها از سوی این کارشناسان پیرامون خطرات ناشی از محصولات زیست فناوری بود. با این حال هیأت حل و فصل اختلاف در نهایت اعلام نمود که اهمیت این‌گونه خطرات، زیاد و جدی نمی‌باشند. این امر به نوعی حاکی از تأثیر دیدگاه ذهنی اعضای هیأت حل و فصل اختلاف درباره‌ی اهمیت یک خطر در تصمیم‌گیری نهایی آن ها می‌باشد.

موضوع دیگری که می‌توان از آن برای اثبات لزوم رعایت بُعد ذهنی اهمیت خطر بهره برد بخشی از اظهارات هیأت استینافی در پرونده «هورمون‌ها- جامعه اروپا» می‌باشد. در این دعوی هیأت استینافی به هیأت حل و فصل اختلاف متذکر گردید که عواملی که در بند ۲ ماده ۵ موافقت‌نامه ذکر گردیده و می‌بایست در ارزیابی خطر توسط هیأت‌های حل و فصل اختلاف مدنظر قرار گیرند جنبه حصری نداشته و تمثیلی می‌باشند (Appellate Body Report, European Communities-Measures Concerning Meat and Meat Products, para.187)

بنابراین مسأله‌ی افکار عمومی می‌تواند به عنوان یکی از موارد مطرح در فهرست مزبور قرار گیرد.

در مجموع و با عنایت به مباحث مطرح در این بخش می‌توان ابراز داشت که توجه به افکار عمومی به عنوان جزیی لاینفک از فرایند ارزیابی خطر، قابل توجه وغیرقابل تردید است (Bloche, 2002, p.836).

۲- جواز اعمال اصل احتیاطی در شرایط عدم کفایتِ دلیل علمی

همانگونه که بیان گردید استفاده از توجیه علمی یا به عبارت دیگر استناد به دلایل علمی کافی مهمترین ضابطه برای اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی اعضا می‌باشد؛ اما همواره مواردی وجود دارد که دلایل علمی کافی برای اتخاذ اقدامات بهداشتی وجود نداشته

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

و از سوی دیگر نگرانی‌های جدی در خصوص بروز خطرات احتمالی در صورت عدم اتخاذ اینگونه اقدامات وجود دارد. برای رفع این مشکل موافقت‌نامه به اعضا اجازه داده تا در چنین مواردی با رعایت برخی شرایط، اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی موقتی اتخاذ نمایند. بند ۷ ماده ۵ در این خصوص مقرر می‌دارد:

«در مواردی که شواهد علمی مربوط کافی نیست، یک [کشور] عضو می‌تواند بر مبنای اطلاعات مربوط موجود، از جمله اطلاعات ارائه شده از سازمآن های بین‌المللی مربوط و همچنین اطلاعات حاصل از اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی اعمال شده توسط سایر اعضا، اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی را به طور موقت اتخاذ کند. در چنین اوضاع و احوالی اعضا در صدد کسب اطلاعات اضافی لازم جهت ارزیابی عینی‌تر خطر و متناسب با آن، تجدید نظر در اقدام بهداشتی یا بهداشت گیاهی در مدتی معقول برخواهند آمد».[1]

مقررات بند فوق که در واقع بیانگر اعمال اصل احتیاطی (Precautionary Principle) در قضایای بهداشتی و بهداشت گیاهی می‌باشد اختلاف نظرهای فراوانی را در صحنه‌ی مبادلات تجاری بین‌المللی به دنبال داشته است. این نوشتار درصدد بررسی اصل احتیاطی و انعکاس آن در مقررات موافقت‌نامه نمی‌باشد؛ بلکه آنچه که مدنظر است استفاده از برخی نکات موجود در این قسمت از مقررات موافقت‌نامه، جهت اثبات تأثیر افکار عمومی در اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی موقتی می‌باشد. نکته مهم در خصوص این بند، اشاره به بحث «عدم کفایت» می‌باشد. در واقع اعضا در صورتی با استناد به این بند می‌توانند اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی وضع نمایند که در خصوص سلامت یا ایمنی یک کالا، دلیل علمی کافی وجود نداشته باشد. این عدم کفایت در مواردی است که مجموعه‌ای از اطلاعات علمیِ موجود در خصوص ایمنی و سلامت محصول، اجرای یک ارزیابی مناسب از خطرات را

1 .Article 5(7):"In the cases where relevant scientific evidence is insufficient, a Member may provisionally adopt sanitary or phytosanitary measures on the basis of available pertinent information, including that from the relevant international organizations as well as from sanitary or phytosanitary measures applied by other Members. Members shall seek to obtain the additional information necessary for a more objective assessment of risk and review the sanitary or phytosanitary measure accordingly within a reasonable period of time".

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

چه از لحاظ کمّی و چه از لحاظ کیفی اجازه ندهد(Appellate Body Report, Japan-Measures Affecting the Importation of Apples, para.179.; Panel Report, The United States-Continued Suspension of Obligations in the EC-Hormones Dispute, para.7.608.). از آن جا که هیچ مقررات یا رویه‌ی قضایی خاصی در زمینه‌ی چگونگی تشخیص عدم کفایت وجود ندارد؛ لذا منطقی به نظر می‌رسد که از همان مطالبی که در تعیین کفایت دلیل علمی(بند ۲ ماده ۲) ارائه گردید در بحث عدم کفایت هم استفاده شود. اگر قرار باشد که در تعیین کفایت علمی، ارزش‌های ذهنی اشخاص و ارزش‌های خاص مردمان هر جامعه‌ای مدنظر قرار گیرد؛ هیچ دلیلی وجود ندارد تا در تعیین عدم کفایت مندرج در بند ۷ ماده ۵ شیوه‌ی دیگری بکار رود. این بدان معناست که در جامعه‌ای که افکار عمومی آن در خصوص کفایت دلایل علمی پیرامون سلامت و ایمنی یک محصول وارداتی تردید داشته و این دلایل را کافی نمی‌دانند و برخی عقاید علمی نیز چنین افکاری را تأیید می‌نمایند می‌توان نوعی عدم کفایت علمی را استنباط نموده و بر اساس آن اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی محدودکننده‌ی واردات اتخاذ نمود. این امر چیزی جز تأثیر افکار عمومی در اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی نخواهد بود.

نکته‌ی دیگر این که براساس مقررات این بند، در صورت عدم کفایت علمی، اعضا می‌بایست براساس «اطلاعاتِ مربوطِ موجود» از قبیل اطلاعات بدست آمده از سازمآن های بین‌المللی مربوط و همچنین اطلاعات بدست آمده از اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی اعمال شده توسط سایر اعضا دست به اتخاذ اقدامات موقتی لازم بزنند. موضوع قابل تأمل آن است که برخلاف بند ۲ ماده ۲ که از عبارت دلایل «علمی» استفاده می‌کند بند ۷ ماده ۵ عبارت «اطلاعات مربوط موجود» را بکار برده که حوزه‌ی گسترده‌تری را در قیاس با عبارت دلایل علمی در برمی‌گیرد.

از سوی دیگر این بند اطلاعات بدست آمده از سازمان های بین‌المللی مربوط و همچنین اطلاعات بدست آمده از اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی اعمال شده توسط سایر اعضا را تنها به عنوان نمونه‌ای از منابع کسب اطلاعات ذکر می‌نماید که این بدان معناست که اطلاعات مزبور را می‌توان از سایر منابع هم کسب نمود. این دو نکته نیز نشان می‌دهندکه اعضا می‌توانند

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

برپایه‌ی افکار عمومی مردمان‌شان اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی اتخاذ نمایند (Eggers, 2001, p.176). البته این بدان معنا نیست که یک نگرانی بی‌پایه و اساس از سوی مصرف‌کنندگان می‌تواند مبنای اتخاذ اقدامات باشد؛ بلکه توجه به نگرانی‌های مصرف‌کنندگان بهمراه اطلاعات علمی ولو اندک که نشان‌دهنده‌ی خطرات احتمالی باشد می‌تواند مبنا قرار گیرد. هر چند لازم به ذکر است که اصولا مصرف‌کنندگان فی نفسه و بخودی خود در خصوص ایمنی و سلامت محصولات دچار نگرانی نشده و در اغلب موارد مصرف‌کنندگان به اظهار نظرهای دانشمندان یا یافته‌های علمی جدید واکنش نشان داده و نگرانی‌هایی را احساس و ابراز می‌نمایند.

۳- احترام به سطح حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهیِ اعضا

مطابق بند ۵ پیوست (الف) موافقت‌نامه، منظور از سطح مناسب حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهی سطحی از حفاظت است که عضوی که اقدام بهداشتی یا بهداشت گیاهی را برای حفاظت از حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا گیاه در قلمروی خود اعمال می‌کند، آن را مناسب تلقی می‌نماید. از این مفهوم به عنوان «سطح قابل پذیرش خطر» نیز یاد می شود.[۱] براساس مقررات موافقت‌نامه، سطح حفاظت انتخابی کشورها یا به عبارت دیگر سطح قابل پذیرش خطر اعضاء می‌بایست مورد احترام قرارگیرد.

بند ۳ از ماده‌ی (۳)[۲] و همچنین بند ۶ از ماده‌ی (۵)[۱] موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی با صراحت سطح حفاظت انتخابی یک کشور عضو را به رسمیت می‌شناسند.

1.Annex A(5):'Appropriate level of sanirary and phytosanitary protection- The level of protection deemed appropriate by the Member establishing a sanitary or phytosanitary measure to protect human, animal or plant life or health within its territory. Note: Many Members otherwise refer to this concept as the "acceptable level of risk'".

2.Article 3 (3): "Members may introduce or maintain sanitary and phytosanitary measures which result in a higher level of sanitary or phytosanitary protection than would be achieved by measures based on the relevant international standards, guidelines or recommendations, if there is a scientific justification, or as a consequence of the level of sanitary or phytosanitary protection a Member determines to be appropriate in accordance with the relevant provisions of paragraphs 1 through 8 of article 5…".

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

با استناد به بند ۳ ماده‌ی (۳) کشورهای عضو می‌توانند به دلیل انتخاب استانداردهایی که سطح بالاتری از حفاظت را در قیاس با استانداردهای بین‌المللی ارائه می‌دهند، استانداردهای اخیر را نادیده انگارند. بند ۶ ماده‌ی (۵) که در راستای تأکید بر سطح قابل پذیرش خطر کشورهای عضو می‌باشد مقرر می‌دارد که اعضاء ملزم می‌باشند تا اطمینان حاصل نمایند که اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی‌شان بیش از آنچه که برای دست‌یابی به سطح حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهی‌شان لازم است تحدیدکننده‌ی تجارت نباشند. توضیح آن که یک اقدام ممکن است بیش از حد لازم محدودکننده‌ی تجارت تلقی گردد اگر اقدام دیگری وجود داشته باشد که بتوان آن را اتخاذ نمود و از لحاظ فنی و اقتصادی عملی و تأمین‌کننده سطح مناسب حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهی بوده و به طور قابل ملاحظه‌ای محدودکنندگی تجاری کمتری داشته باشد.

بند ۳ ماده (۳) و همچنین بند ۶ ماده‌ی (۵) موافقت‌نامه بر آزادی کشورها در تعیین سطح حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهی‌شان تأکید نموده‌اند و مجالی را برای تصمیم‌گیری اعضاء بر پایه‌ی افکار عمومی در خصوص یک خطر فراهم می‌نمایند؛ با این توضیح که دولت‌ها می‌توانند بر پایه‌ی افکار عمومی مردمان‌شان سطح بالاتری از حفاظت را در برابر کالاهای وارداتی اعمال نمایند. همان‌گونه که سابقا بیان گردید عوامل فرهنگی و اجتماعی در تعیین خطر توسط اشخاص مؤثرند و لذا اختلافاتی را در مفهوم خطر بین مردمان کشورهای مختلف می‌توان مشاهده نمود. برای مثال به نظر می‌رسد که اروپایی‌ها نگرانی زیادی در خصوص خطرات احتمالی ناشی از مصرف محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی دارند، در حالی که آمریکایی‌ها بیشتر در خصوص خطرات مواد سرطان‌زا نگران می‌باشند (Vogel, 2001, p.16). بنابراین، به نظر می‌رسد که می‌توان اختلاف در مفهوم و درک خطر را به عنوان توجیهی برای تفاوت میان سطوح حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهی در موارد به ظاهر مشابه پذیرفت. به عنوان مثال گر چه ممکن است صاحب نظران علوم طبیعی خطرات ناشی از مصرف محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی و محصولات تولیدشده با اشعه را یکسان بدانند که در نتیجه سطح حفاظت تعیین شده در برابر این

3.Article 5 (6): "Without prejudice to paragraph 2 of Article 3, when establishing or maintaining sanitary or phytosanitary measures to achieve the appropriate level of sanitary or phytosanitary protection, Members shall ensure that such measures are not more trade-restrictive than required to achieved their appropriate level of sanitary and phytosanitary protection, taking into account technical and economic feasibility".

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

نوع کالاها باید یکسان باشد اما چنانچه مردمان یک کشور به دلایل فرهنگی و یا با استناد به برخی مطالعات علمی نگرانی بیشتری در خصوص محصولات اصلاح شده‌ی ژنتیکی دارند دیگر نمی‌توان این دو محصول را مشابه و قابل مقایسه دانست و لذا تعیین سطح حفاظت بالاتری در خصوص کالاهای ژنتیکی در قیاس با سایر کالاها مشروع خواهد بود.

٤- استفاده از کارشناسان در حل و فصل دعاوی

یک موضوع مهم در خصوص دعاوی مرتبط با قضایای بهداشتی و بهداشت گیاهی در سازمان تجارت جهانی این است که در صورت بروز چنین اختلافاتی، هیأت‌های حل و فصل اختلاف و هیأت استینافی سازمان برای حل اینگونه اختلافات می‌توانند از کمک برخی کارشناسان استفاده نمایند. موافقت‌نامه در بند ۲ ماده ۱۱ به این موضوع اشاره می‌نماید: «در صورتی که اختلافی ذیل این موافقت‌نامه متضمن مسائل علمی یا فنی باشد، هیأت حل و فصل اختلاف از کارشناسانی که با مشورت طرف‌های اختلاف انتخاب کرده، نظر خواهد خواست. به این منظور هیأت مزبور هنگامی که مقتضی بداند می‌تواند به درخواست هر طرف اختلاف یا به ابتکار خود یک گروه کارشناسی برای مشاوره‌ی فنی تشکیل داده یا با سازمآن های بین‌المللی مربوط مشورت نماید».[1]

همانگونه که از عبارات این بند مشخص است موافقت‌نامه صلاحدید و توانایی زیادی را به ارکان قضایی سازمان در خصوص شیوه‌ی انتخاب کارشناسان، تعداد کارشناسان، نوع تخصص کارشناسان، ماهیت سؤالاتی که از آن ها پرسیده می‌شود و نقش دقیق آن ها در حل و فصل اختلافات اعطا نموده است. نکته‌ی قابل توجه در این موضوع این است که گر چه تاکنون هیأت‌های حل و فصل اختلاف و هیأت استینافی از تخصص کارشناسان مختلفی برای حل و فصل دعاوی استفاده نموده‌اند، اما اکثریت این کارشناسان، متخصصین علوم طبیعی بوده‌اند. این در حالی است که موضوعات مطرح در سازمان تجارت جهانی به ویژه موضوعات

1. Article 11(2):"In a dispute under this Agreement involving scientific or technical issues, a panel should seek advice from experts chosen by the panel in consultation with the parties to the dispute. To this end, the panel may, when it deems it appropriate, establish an advisory technical experts group, or consult the relevant international organizations, at the request of either party to the dispute or on its own initiative".

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

بهداشتی و بهداشت گیاهی ابعاد مختلفی را دربرمی‌گیرند و استفاده از دانش کارشناسان علوم طبیعی تمامی این ابعاد را پوشش نداده (Howse & Mavroidis, 2000, p.348) و در نتیجه مشروعیت سازمان قضایی سازمان تجارت جهانی را زیر سؤال خواهد برد.

علوم اجتماعی در زمینه ی ارزیابی خطر، اطلاعاتی پیرامون تنوع اجتماعی و رفتاری جوامع ارائه می نماید که علوم طبیعی قادر به ارائه ی آن نمی باشد (Winickoff & et.al, 2005, p.112). هیأت‌های حل و فصل اختلاف نیاز به تخصص کسانی دارند که تحقیقات‌شان بر نقش علم در فرایند قانونگذاری متمرکز است و در مسیر هماهنگی بین ضوابط علمی و راهکارهای قانونی گام برمی‌دارند (Howse, 2000, pp.2346-47). به نظر می‌رسد کارشناسانی که تاکنون در اختلافات مربوط به مسائل بهداشتی و ایمنی مورد مشورت قرار گرفته‌اند فاقد توانایی و دانش لازم بوده تا بتوانند قضاوت نمایند که آیا ارزیابی علمی انجام گرفته دلیل مناسبی برای وضع مقررات خاص یک کشور محسوب می‌گردد یا خیر؛ چراکه کارشناسان علوم طبیعی که مهارت‌هایی در زمینه‌های فنی خاص دارند لزوماً تخصص لازم برای تعیین اینکه آیا یک مصوبه قانونی در این زمینه برای جامعه مذکور مناسب می‌باشد یا خیر را ندارند. با توجه به این مطالب و با توجه به لسان این قسمت از مقررات موافقت‌نامه که هیچ‌گونه محدودیتی را در تعیین کارشناسان و نوع تخصص آن ها قائل نیست می‌توان اظهار داشت که رکن قضایی سازمان می‌بایست که در این‌گونه دعاوی از کمک کارشناسان علوم اجتماعی استفاده نماید. استفاده از این کارشناسان برای سنجش و تجزیه و تحلیل باورهای عمومی یک جامعه و منشأ این باورها کمک بزرگی به تصمیم‌گیری صحیح در حل و فصل اختلافات خواهد نمود. چنین کارشناسانی می‌توانند افکار عمومی زاییده‌ی ارزش‌ها، فرهنگ، مذهب و عقاید علمی اقلیت را از باورهای عمومی ناشی از تبلیغات و انتشار اطلاعات نادرست از سوی برخی گروه‌های ذینفع در محدودسازی واردات تفکیک نموده و توجه قانون‌گذاران را به افکار عمومی نوع اول جلب نمایند.

افکار عمومی زاییده‌ی باورهای فرهنگی، اخلاقی، مذهبی و یا تحت تأثیر عقاید علمی هرچند غیر مشهور می‌بایست مورد احترام قرار گیرند و کشورها می‌توانند مقررات

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

محدودکننده‌ی تجارت را به منظور رفع نگرانی مردم در این خصوص وضع نمایند اما چنین واکنشی به دسته‌ی دیگری از افکار عمومی که هیچ پایه و اساسی نداشته و برخی اوقات تحت تأثیر تبلیغات سوء برخی تولیدکنندگان داخلی برای صدمه زدن به رقبای خارجی خود شکل گرفته مناسب نمی‌باشد (Button, 2004, p.111).

در هر حال امکان استفاده از تخصص اندیشمندان علوم اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های رکن قضایی سازمان تجارت جهانی نشان از وجود مجالی برای توجه دولت‌ها به افکار عمومی در وضع اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی محدودکننده‌ی تجارت می‌باشد.

نتیجه‌گیری

موافقت‌نامه‌ی اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی سازمان تجارت جهانی اهداف متعددی را دنبال می‌نماید. از یک سو این موافقت‌نامه درصدد مبارزه با اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی بی‌پایه و اساس علمی و سیاست‌های حمایت‌گرایانه‌ی دولت ها در لوای این نوع اقدامات بوده و از سوی دیگر هدف آن مشروعیت بخشیدن به اقدامات صادقانه‌ی دولت‌ها در جهت حمایت از حیات و سلامتی انسان، حیوان و گیاه می‌باشد. اگر چه این موافقت‌نامه وجود یک پایه و بنیان علمی را برای تمامی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی اعضاء ضروری می‌شمارد اما همین ضابطه منجر به طرح مباحث و سؤالات پیچیده‌ای گردیده است. یکی از سؤالات مهم در این زمینه و در خصوص دعاوی مرتبط با اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی این است که تا چه میزان می‌توان با تکیه بر افکار عمومی به توجیه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی تحدیدکننده‌ی تجاری کشورهای عضو پرداخت؟

گر چه تاکنون اغلب تفسیرهای ارائه شده در خصوص مقررات این موافقت‌نامه و بخش اعظمی از رویه‌ی قضایی پیرامون آن نقش افکار عمومی در شکل‌دهی فرایند تصمیم‌گیری دولت-ها در اتخاذ اقدامات حفاظتی را نپذیرفته‌اند اما به نظر می‌رسد بررسی دقیق تر برخی مقررات این موافقت‌نامه راه را برای توجه به افکار عمومی در اتخاذ اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی برای کشورها هموار می‌سازد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

نقش قابل توجه جنبه‌های ذهنی اشخاص در تعیین کفایت دلایل علمی و اهمیت خطر در راستای اجرای بند ۲ ماده ۲ و بند ۱ ماده ۵ موافقت‌نامه به عنوان مهمترین و محوری‌ترین ضوابط این موافقت‌نامه و همچنین تأثیر این جنبه‌های ذهنی در تعیین عدم‌کفایت علمی برای اجرای اصل احتیاطی مقرر در بند ۷ ماده ۵ موافقت‌نامه به خوبی اهمیت توجه به افکار عمومی و احترام به آن در وضع مقررات بهداشتی و بهداشت گیاهی محدودکننده تجارت را نشان می‌دهد. علاوه بر این موافقت‌نامه در بند ۳ ماده ۳ خود به روشنی اعلام می‌نماید که اعضا در تعیین سطح مناسب حفاظت بهداشتی و بهداشت گیاهی خود(سطح قابل پذیرش خطر) آزادی عمل دارند که قطعا کشورها در تعیین این سطح حفاظتی به افکار عمومی مردمان خود توجه می‌نمایند. دلیل دیگر در خصوص امکان توجه به افکار عمومی بند ۲ ماده ۱۱ موافقت‌نامه می‌باشد که در بررسی اختلافات اعضا پیرامون اجرای این موافقت‌نامه به رکن قضایی سازمان این اجازه را می‌دهد تا از نظر کارشناسان مختلف استفاده نماید. بنابراین این امکان وجود دارد تا کشورها بتوانند از دانش کارشناسان علوم اجتماعی استفاده نمایند؛ کارشناسانی که می‌توانند وضع مقررات بهداشتی محدودکننده تجاریِ منبعث از مطالبه افکار عمومی مشروع(افکار عمومی زاییده باورهای فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و عقاید علمی اقلیت) را توجیه نمایند. در نهایت می‌توان به طور خلاصه بیان نمود که اگرچه بدون شک موافقت‌نامه بر وضع مقررات متکی بر دلایل علمی تأکید دارد؛ اما بررسی دقیق‌تر ضوابط آن نشان می‌دهد که در مقررات این موافقت‌نامه جایگاه شایان توجهی برای تأثیر و نقش عوامل غیرعلمی همانند افکار عمومی - البته به استثنای برخی عقاید بی پایه و اساس علمی- در فرایند تصمیم‌سازی دولت‌ها برای اتخاذ اقدامات حفاظتی بهداشتی و بهداشت گیاهی تحدیدکننده‌ی جریان تجارت آزاد وجود دارد. این رویکرد موافقت‌نامه علاوه بر این که هم سو با تفکرات معاصر در خصوص مفهوم خطر بوده که بر اهمیت مشورت با عموم مردم درباره‌ی خطرات تهدیدکننده‌ی حیات و سلامت انسان، حیوان و گیاه تأکید دارند (Klinke and Renn, 2002, p.159)؛ مشروعیت سازمان تجارت جهانی به عنوان یک نهاد بین‌المللی متولی گسترش تجارت آزاد را در میان مردمان جوامع مختلف افزایش می‌دهد.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

شیروی، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، **الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و تاثیر آن بر مقررات داخلی**، مجله مجتمع آموزش عالی قم، ۲(۵)، صفحات ۲۸-۷.

شیروی، عبدالحسین؛ انصاری، اعظم، (۱۳۹۱)، **هماهنگ‌سازی در حقوق تجارت بین‌الملل: تحلیل حقوقی ماده ۳ موافقتنامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی**، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، ۱(۱۹)، ۱۱۸-۸۰.

فرج زاده آلان، داور، درخی، حمیدرضا، صادقی حسن آبادی، حسین، صابری اسفیدواجانی، محسن و حیدری، مصطفی، (۱۳۹۲)، **بررسی نگرش دانشجویان پسر دانشگاه علوم پزشکی ایران نسبت به اثرات وضعی غذاهای حلال و حرام**، فصلنامه طب و تزکیه، ۲۲(۴)، صفحات ۲۶-۱۷.

قوسیان مقدم، محمدحسن و ملکی، مریم، (۱۳۸۹)، **بررسی تأثیر مصرف گوشت خوک بر سلامت انسان ازدیدگاه قرآن و طب**، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۴(۱۳)، صفحات ۱۱۶ -۱۰۷.

موسوی، اعظم السادات؛ اخوان، ستاره، (۱۳۸۹)، **کلیرسل آدنوکارسینومای دهانه رحم بدون سابقه تماس با دی اتیل استیل بسترول در دوران جنینی: گزارش دو مورد**، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۲(۶۸)، صفحات ۱۴۰-۱۳۷.

ب- منابع انگلیسی

Bloche, M Gregg, (2002), **WTO Deference to National Policy: toward an Interpretive Principle**, Journal of International Economic Law, 5(4), pp.825-848.

Button, Catherine, (2004), **The Power to Protect. Trade, Health and Uncertainty in the WTO**, Portland, Hard Publishing.

Charnovitz, Steve, (2000), **The Supervision of Health and Biosafety Regulation by World Trade Rules**, Tulane Environmental Law Journal, 13(2), pp. 271-302.

Cranor, Carl F, (1993), **Science Courts, Evidentiary Procedures, and Mixed Science Policy Decisions,** Risk: Issues in Health and safety, 4(2), pp. 113-132.

Crawford-Brown, Douglas, Pauwelyn, Joost and Smith, Kelly, (2004), **Environmental Risk, Precaution and Scientific Rationality in the Context of WTO/NAFTA Trade Rules**, Risk Analysis, 24(2), pp. 461-469.

Eggers, Barbara, (2001), THE PRECAUTIONARY PRINCIPLE IN WTO LAW, PhD Thesis. (Doctoral dissertation University of Hamburg, 2007); available at: http://d-nb.info/962940709/34, last visited in 14/06/2013.

Epps, Tracey, (2008), **International Trade and Health Protection. A Critical Assessment of the WTO's SPS Agreement**, Cheltenham, Edward Elgar.

Epps, Tracey, (2008), **Reconciling public opinion and WTO rules under the SPS Agreement**, World Trade Review, 7(2), pp. 359-392.

Foster, Caroline E, (2008), **Public Opinion and the Interpretation of the world Trade Organisation's Agreement on Sanitary and Phytosanitary Measures**, Journal of International Economic Law, 11(2), pp. 427-458.

Foster, Caroline E, (2005), **Social Science Experts and Amicus Curiae Briefs in International Courts and Tribunals: The WTO Biotech Case**, Netherlands International Law Review, 52(3), pp. 433-460.

Gruszczynski, Lukasz, (2010), **Regulating Health and Environmental Risks under WTO Law, A Critical analysis of the SPS Agreement**, Oxford, Oxford University Press.

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]

Howse, Robert, (2000), **Democracy, Science, and Free Trade: Risk Regulation on Trial at the World Trade Organization**, Michigan Law Review, 98(7), pp. 2329-2357.

Howse, Robert and Mavroidis, Petros C, (2000), **Europe's Evolving Regulatory Strategy for GMO's- The Issue of Consistency with WTO Law: of Kine and Brine**, Fordham International Law Journal, 24(1), pp. 317-370.

Klinke, Andreas and Renn, Ortwin, (2002), **A new Approach to Risk Evaluation and Management, Risk-Based, Precaution-Based, and Discourse-Based Strategies**, Risk analysis, 22(6), pp. 1071-1094.

Maruyama, Warren H, (1998), **A new Pillar of the WTO: Sound Science**, The International Lawyer, 32(3), pp. 651-677.

McNiel, Dale E, (1998), **The First Case Under the WTO's Sanitary and Phytosanitary Agreement: The European Union's Hormone Ban**, Virgina Journal of International Law, 39(4), pp. 89-134.

Rayner, Steve and Cantor, Robin, (1998), **'How Fair Safe Enough? The Cultural Approach to Societal Technology Choice' in The Earthscan Reader in Risk and Modern Society**, London, Erthscan.

Sareen, Taruna, (2001), **Dictionary of Economics**, New Delhi, K.S. PAPERBACKS.

Vogel, David, (2001), **Ships Passing in the Night: The Changing Politics of Risk Regulation in Europe and the United States**, EUI RSC Working Paper, No.2001/16; available at: www.eui.eu/RSCAS/WP-Texts/01_16.pdf, last visited in 12/02/2012.

Winickoff, David, Jasanoff, Sheila, Busch, Lawrence, Grove-White, Robin and Wynne, Brian, (2005), **Adjudicating the GM Food Wars: Scince, Risk, and Democracy in World Trade Law**, THE YALE JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, 30(81), pp. 81-123.

ج- منابع اینترنتی

Council Directive 81/602/EEC of 31 July 1981, available at: http://eur-lex.europa.eu, (last visited in 01/05/2013).

Council Directive 88/299/EEC of 17 May 1988, available at: http://eur-lex.europa.eu, (last visited in 01/05/2013).

Council Directive 88/146/EEC of 7 March 1998, available at: http://eur-lex.europa.eu, (last visited in 01/05/2013).

Guidelines to Further the Practical Implementation of Article 5.5, available at: http://www.wto.org/english/tratop_e/sps_e/decisions06_e.htm, (last visited in 10/04/2011).

Report of the International Law Commission on the Work of its Fifty-third session, Official Records of the General Assembly, Fifty sixth session, Supplement No.10, available at: http:// untreaty.un.org/ ilc/ texts/ instruments/ english/ commentaries/ 9_7_2001.pdf, (last visited in 10/04/2011).

د- دعاوی و پرونده‌ها

Australia-Measures Affecting Importation of Salmon, Complaint by Canada (1995).

European Communities-Measures Affecting the Approval and Marketing of Biotech Products, Complaints by the United States, Canada, Argentina (2003).

European Communities-Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones), Complaint by the United States and Canada (1996).

Japan-Measures Affecting Agricultural Products, Complaint by the United States (1997).

Japan-Measures Affecting the Importation of Apples, Complaint by the United States (2002).

The United States-Continued Suspension of Obligations in the EC-Hormones Dispute, Complaint by European Communities (2004).

[Downloaded from jlviews2.ujsas.ac.ir on 2025-10-20]